

همکاری مردم و فعالان محیط زیست برای
احیای زیستگاه خرس سیاه آسیایی در ایران

سدهای سنتی نگهبان خرس ها شدند

۴

قدیمی ترین مدیر شهرداری تهران
بعد از نیم قرن از این سازمان رفت

پایان دوران «مختاری»



۲

دو سال پس از ثبت در یونسکو، کاروانسراهای ایران گرفتار نبود الگوی مدیریتی اند

کاروانسراهای جهانی در مسیر ویرانی

پراکندگی کاروانسراهای جهانی ایران در سطح کشور و وضعیت مالکیت این آثار، نیازمند طراحی الگوی
مدیریتی نوینی است که بتواند به شکلی شایسته از این شاهکارهای معماری ایرانی حفاظت کند

۳

خبراش

«**ثمینه‌باغچهبان**»

مادر ناشنوایان ایران از دنیا رفت

خاموشی صدای بی‌صدایان



| **صدف سرداری** |

| روزنامه‌نگار |

کمتر کسی است که نام «باغچهبان»ها را شنیده باشد. «جبار باغچهبان» بنیانگذار اولین مدرسه ناشنوایان در ایران بود. «پروانه»، «تمین» و «ثمینه» فرزندان دیگر او بودند که **تمین پس از سال‌ها فعالیت در حوزه موسیقی در سال ۸۶ در استانبول درگذشت** و ماندند «پروانه» و «ثمینه» که همچنان به فعالیت‌های فرهنگی ادامه می‌دادند. تا روز بیست‌وششم شهریور که «نوش‌آفرین انصاری»، دبیر شورای کتاب کودک اعلام کرد «**ثمینه**» که میراث‌دار و ادامه‌دهنده راه پدرش بود و **حتی لقب «مادر ناشنوایان ایران» را داشت**، از دنیا رفت. گفته می‌شود ثمینه باغچهبان متولد ۱۳۰۶ بوده و تاریخ تولد او به این سال ثبت شده، اما برخی دیگر تاریخ تولد اصلی او را ۱۳۰۴ می‌دانند که یعنی او در صدسالگی از دنیا رفته است. ثمینه چه ۹۸ساله بوده و چه صدساله برای سالیان طولانی ادامه‌دهنده میراث پدر بود. با بچه‌های ناشنوا بزرگ شد و ناشنوایان جزوی از زندگی او شده بودند.

او در تبریز، در دل همان کودکانی به دنیا آمد که جبار باغچهبان بنیان گذاشته بود: «باغچه اطفال». خاتمشان میان صداهای خنده و شیطنت بچه‌ها شکل گرفته بود و از همان روزهای نخست، بازی‌های کودکی‌اش با کلاس و درس آمیخته شد. چند سال بعد که به شیراز رفتند، ثمینه باز هم در همان مسیر بود؛ پدر کودکانستان دیگری بنا کرد و دختر کوچکش در همان‌جا بزرگ شد؛ در میان بچه‌هایی که برای اولین‌بار یاد می‌گرفتند چگونه بی ترس و خجالت و تردید، چیزی را بفهمند و یاد بگیرند. جبار باغچهبان باور داشت ترس، آینده بچه‌ها را می‌سوزاند. این باور به ثمینه هم رسید، مثل ارثی ناگفته که از دل نگاه پدر به جان دختر منتقل شده باشد.

در سال ۱۳۱۱، به تهران آمدند و خانه‌شان شد مدرسه. مدرسه کر و لالاها در محله سنگنج تهران، همان‌جایی بود که ثمینه بخشی از کودکی‌اش را میان ناشنوایان گذراند. او همبازی‌شان بود، اما یک همبازی متفاوت؛ وقت‌هایی که پدر در کلاس به یکی درس می‌داد، ثمینه با بقیه در حیاط بازی می‌کرد و به آنها آموزش می‌داد. انگار بی آنکه عنوانی داشته باشد، معلمی را از همان سال‌ها آغاز کرده بود.

🔗 مسیری که با دست‌های پدر آغاز شد

تا دوم دبیرستان خواند، بعد وارد دانشسرای مقدماتی پامنار شد و همزمان در مدرسه پدرش تدریس می‌کرد. خیلی زود، از انجا راهی دانشسرای عالی و در سال ۱۳۲۷ در رشته زبان انگلیسی فارغ‌التحصیل شد. همان سال‌ها بود که با «هوشنگ پیرنظر» آشنا شد، ازدواج کرد و زندگی‌اش باز هم با آموزش گره خورد؛ این‌بار نه‌فقط در ایران، که در آمریکا. سال ۱۳۲۹ با بورس تحصیلی راهی آمریکا شد؛ ابتدا به کالج لیل‌وود در ایالت میسوری و بعد دانشگاه کلمبیا. آنجا بود که در آموزش‌وپرورش ناشنوایان و سپس گفتاردرمانی تحصیل کرد. اما ایران همیشه در زندگی‌اش وزنه‌ای سنگین بود. گرفتاری خانواده، آشفتنگی اوضاع کشور، همه چیز دست‌به‌دست هم داد تا درس را ناتمام بگذارد و به خانه بازگردد.

از ۱۳۳۲ تا ۱۳۴۵، کنار پدرش در همان مدرسه قدیمی ماند. تجربه آمریکا چشمش را باز کرده بود؛ فهمید روش ابدی‌ای پدرش برای آموزش ناشنوایان، چقدر ریشخدار و علمی است. وقتی برگشت، کشور هم در حال بازنگری در نظام آموزشی بود. جلسات مهمی با حضور چهره‌هایی مثل «لیلی آهی» و «توران میرهادی» تشکیل شد و پس از این گفت‌وگوها، ثمینه از طرف آموزش‌وپرورش مسئول تشکیل کلاس‌های کارآموزی و کارورزی آموزگاران کلاس اول در سطح کشور شد. خودش در خاطراتش درباره همکاری با لیلی آهی و توران میرهادی می‌گفت «ما سه تفنگدار بودیم». پایه آموزش، به باور او و پدرش، «معلم» بود. خودش می‌گفت برای داشتن آموزش ماندگار باید اول معلمان را ساخت. همین‌کار را کرد؛ با تدریس نسل تازه‌ای از آموزگاران، با نوشتن کتاب‌های آموزشی، به پایه‌گذاری شیوه‌هایی که حتی در افغانستان و تاجیکستان هم مورد استفاده قرار گرفت. بخش مهمی از محتوای «کتاب فارسی اول دبستان» برگرفته از کتابی بود که ثمینه نوشته بود.

🔗 ترجمه آموزش به زبان نگاه

پس از مرگ پدر در ۱۳۴۵، بار آواز هوشنگ باغچهبان و ۲۲۰ دانش‌آموز بر دوش او افتاد. مدیریت فنی جمعیت کر و لالاها را هم پذیرفت و سال‌ها به آموزش و توانمندسازی ناشنوایان ادامه داد. در دهه ۵۰، به ریاست سازمان ملی رفاه ناشنوایان رسید و در دانشگاه ملی، دوره‌های تخصصی برای تربیت شنوایی‌سنج و رابط ناشنوایان راه انداخت. در فعالیت‌های فرهنگی‌اش هم کم نگذاشت. با شوری کتاب کودک همراه شد و دو کتاب «بل چوبی» و «نوروزها و بادبادک‌ها» از آثار برگزیده او در این شورا بود. یکی از نویسنده، منتسجم و مدیر بود و شاید مهم‌تر از همه، حامی و مادر معنوی کودکان ناشنوا. او مثل پدرش، جهانی، نقش مهمی در معرفی پیشرفت‌های ایران در حوزه آموزش ناشنوایان و گفتاردرمانی داشت و حتی در سال ۱۹۷۷ بورسیه‌ای به‌بنام او در آمریکا ثبت شد.

فعالیت مختاری در حوزه فضای سبز نام او را به خود گرفت.

علاوه‌بر اهماات مدیریتی مختاری، انتقادات دیگری هم به او مطرح است؛ از جمله تخریب و تغییر کاربری باغات تهران. او پیش‌ازاین در جلسات شورای شهر، تخریب باغات در دهه دوم انقلاب را از عوامل اصلی کاهش فضای سبز تهران اعلام کرده، اما گفته بود در مواردی برای تخریب باغ‌ها تحت فشار قرار گرفته است؛ اما این توضیح با توجه به جایگاه مختاری، برای بسیاری قانع‌کننده نبود. کاشت گونه‌های غیربومی بدون توجه به اقلیم و مطالعات جدید، نابودی و قطع درختان خیابان ولیعصر و تغییر کاربری بوستان مادر از دیگر انتقادات به او است. درختان ولیعصر در تمام این سال‌ها بدلیل کم‌آبی، کف‌سازهای مسیر آب، آلودگی هوا و آبیاری‌های نامنظم دچار تنش‌های شدید شده‌اند و به‌جز مسیر پارک‌وی تا تجریش، باقی چنارهای این خیابان بلند از بین رفته یا رو به نابودی‌اند. در این مدت با وجود انتقادات کارشناسی که به نحوه نگهداری از این درختان مطرح شد، این کار به همان شیوه قدیمی پیش رفته و تغییری در حفظ این درختان رخ نداده است. با اینکه آبیاری درختان با لوله‌کشی معابر بهبود یافت، اما کاشت گونه‌های غیربومی در سطح شهر همچنان ادامه دارد و فناوری‌های تونبی که برای توسعه و نگهداری فضای سبز به‌کار گرفته می‌شود، به تهران راه نیافته است.

«حامد پارسی»، دبیرکل کانون عالی گسترش فضای سبز و حفظ محیط‌زیست ایران به «پیام ما» می‌گوید: «در حدود چهل سال گذشته در حوزه محیط‌زیست و فضای سبز کشور فاجعه رخ داده و بحرانی به بحران دیگر تبدیل شده است. قطعاً در دوره ۳۸ سال حضور او در این مسئولیت شمار باغ‌های شهر تهران کم شده است. نگاهی به وضعیت کیفی بوستان‌ها و پارک‌ها این را نشان می‌دهد؛ هرچند به‌لحاظ کمی با افزایش فضاهای سبز و بوستان‌ها رویه‌رو هستیم. این میان امتیازهایی که تهران در فضای سبز داشته از دست رفته است، اما در اینکه چقدر آقای مختاری در این روند مؤثر بوده، نمی‌توان مطمئن بود. در این سال‌ها فضای سبز، منابع طبیعی و محیط‌زیست کل کشور سیر قهقریایی داشته است.»

او مسئله مهم تغییرات جدید سازمان بوستان‌ها را مجال حضور ایده‌های نو می‌داند. «مسلم است که که آنچهای جدید با افکار جدید و شیوه‌های نو می‌توانند تغییراتی ایجاد کنند. اگر این مجال زودتر رخ می‌داد تا دیگران هم در این عرصه حضور یابند و طرح‌آزمایی کنند، شاید آنها حرف تازه‌ای می‌داشتند. البته دوام مدیریت آقای مختاری با تصعب زیاد او به فضای سبز همراه بود، امیدوارم نفر بعدی حساسیت‌هایش کمتر نباشد.»

مدیر جدید، عباسعلی نوبخت است. او دکتری مهندسی منابع از دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی دارد و در سوابقش این سمت‌ها دیده می‌شود: معاونت امور جنگل این سازمان، مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری استان مازندران، ریاست اداره منابع طبیعی و آبخیزداری شهرستان ساری، مدیرکل دفتر جنگل‌کاری، پارک‌ها و ذخیره‌گاه‌های جنگلی و موارد دیگر. ریاست سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری کشور آخرین سمت نوبخت است. او در دوران، در شرایط بحرانی آب، مدعی تأمین آب شرب «برای دو میلیارد نفر» شد و در نهایت تیر ۱۴۰۳ «در پی پاشفاری دستگاه‌های نظارتی» از این سمت برکنار شد. دوران مختاری پس از بیش از نیم‌قرن به پایان رسیده است و اکنون تهران در آستانه دوره تازه‌ای از مدیریت فضای سبز است. باید منتظر ماند و دید.



قدیمی‌ترین مدیر شهرداری تهران، بعد از نیم‌قرن از این سازمان رفت

پایان دوران «مختاری»

مدیرعامل ۸۰ساله سازمان بوستان‌های تهران بعد حدود ۳۸ سال از صندلی مدیریت برخاست. از ۵۳ سال پیش که «علی‌محمد مختاری» با مدرک کارشناسی

مهندسی کشاورزی به شهرداری تهران آمد، شهرداران مختلفی را به چشم دید؛ با حساب سرانگشتی از سال ۱۳۵۱ تاکنون ۲۵ شهردار. از پاییز ۶۶ که تاریخ ثبت‌شده حضور مختاری در سازمان بوستان‌ها و فضای سبز شهر تهران است، تهران ۱۶ شهردار مختلف داشت و در تمام این سال‌ها مختاری در سمت خود باقی ماند. او هیچ‌وقت بازنشست نشد، حتی دیروز (چهارشنبه، ۲۶ شهریور) که ناگهان از سمتش برکنار شد و قرار است سازمان بوستان‌های تهران بعد از چند دهه مدیر جدیدی به خود ببیند، مختاری در جایگاه مشاور شهردار در امور بوستان‌ها منصوب شده است.

فرد ارتباطی با سن او ندارد. اگر فردی بخواهد بازنشسته شود و مافوقش نخواهد، می‌ماند؛ اگر کسی بخواهد بماند و مافوقش نخواهد، باید برود.»

🔗 مجال ایده‌های نو

اهمیت بررسی کارنامه علی‌محمد مختاری، در این است که او حدود چهار دهه فعالیت در عرصه مدیریت فضای سبز پایتخت و بیش از نیم‌قرن در شهرداری تهران حضور داشته است. در مدت حضور او شمار بوستان‌های تهران افزایش یافته، اما باغ‌های بسیاری قربانی تغییر کاربری شده و جای خود را به برج‌های بلند داده‌اند. در شرح دستاوردهای مختاری به ساخت و توسعه بوستان‌های متعدد در سطح شهر تهران و افزایش سرانه فضای سبز اشاره می‌شود. به‌گفته او، سرانه فضای سبز در داخل تهران ۱۷.۵ متر و در حوزه برون‌شهری ۲۷ متر است. این میان، یکی از بوستان‌ها به‌نام خود اوست: بوستان سهکنتاری مهندس علی‌محمد مختاری در محله دهونک تهران. این باغ که به «باغ ایرانی» هم مشهور است، به پاس سال‌ها

حداقل ۶۰ سال سن هستند، بازنشسته‌کنند. تبصره‌های همین ماده اجازه می‌دهند در برخی موارد خاص با موافقت بالاترین مقام دستگاه، تا سقف ۳۵ سال خدمت تمدید شود، ولی بیش از آن مجاز نیست. اما این قانون هیچ‌وقت شامل مختاری نشد.

پیش‌ازاین در سال ۱۳۹۷ «علی دشتی»، سرپرست وقت مرکز آموزش و پژوهش شورای عالی استان‌ها، به خبرگزاری مهر گفته بود: «فردی که بیش از ۳۵ سال خدمت کرده باشد، ادامه حضورش نقض قانون خدمات کشور است. ادامه فعالیت این افراد هرچند خدمات زیاد و خالصانه‌ای هم انجام داده باشند، برخلاف

مقررات و آیین‌نامه خدمات کشور است.»

در همان سال «سیدحسین رسولی»، خزه‌ل‌دار شورای شهر، در جمع خبرنگاران درباره بازنشستگی مختاری گفت: «مختاری بازنشسته نیست و هیچ‌وقت حکم بازنشستگی برایش زده نشده است. زمانی فردی بازنشسته است که از خود تقاضا بدهد یا مافوق او بخواهد، در دوره‌های گذشته نه خود آقای مختاری خواسته که بازنشسته شود و نه مافوقش. بازنشستگی

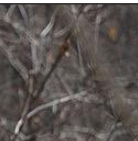
طبق اطلاعات سامانه شفافیت شهرداری تهران تاریخ اولین انتصاب ثبت‌شده علی‌محمد مختاری مربوط به ۲۸ آبان سال ۱۳۶۶ است و از این تاریخ ۳۷ سال و ۱۰ ماه می‌گذرد. اکنون با برکناری مختاری، «عباسعلی نوبخت»، با حکم سرپرستی بر صندلی او نشسته است.

نوبخت رئیس اسبق سازمان منابع طبیعی بوده و همه سوابقش مربوط به حوزه جنگل است.

منبعی آگاه به «پیام ما» می‌گوید این برکناری به یکباره اتفاق افتاده است. «او را در عمل انجام‌شده گذاشتند. شهرداران دیگری هم پیش‌ازاین خواستار جابه‌جایی مختاری بودند، اما حریف نشدند و نتوانستند.»

🔗 او بازنشسته نمی‌شود

به علی‌محمد مختاری برگردیم. او با بیش از نیم‌قرن حضور در شهرداری، سال‌هاست که به‌لحاظ سنوات خدمت و همچنین سن، سقف قانونی را رد کرده است. ماده ۱۰۳ قانون مدیریت خدمات کشوری (مصوب ۱۳۸۶) می‌گوید دستگاه‌های اجرایی موظف‌اند کارمندان خود را که دارای ۳۵ سال سابقه خدمت قابل‌قبول و



| **مهتاب چودکی** |

| روزنامه‌نگار |



| **مهتاب چودکی** |

| روزنامه‌نگار |



| **مهتاب چودکی** |

| روزنامه‌نگار |



| **مهتاب چودکی** |

| روزنامه‌نگار |



| **مهتاب چودکی** |

| روزنامه‌نگار |



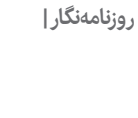
| **مهتاب چودکی** |

| روزنامه‌نگار |



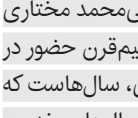
| **مهتاب چودکی** |

| روزنامه‌نگار |



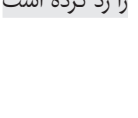
| **مهتاب چودکی** |

| روزنامه‌نگار |



| **مهتاب چودکی** |

| روزنامه‌نگار |



| **مهتاب چودکی** |

| روزنامه‌نگار |



| **مهتاب چودکی** |

| روزنامه‌نگار |



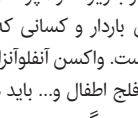
| **مهتاب چودکی** |

| روزنامه‌نگار |



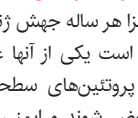
| **مهتاب چودکی** |

| روزنامه‌نگار |



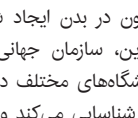
| **مهتاب چودکی** |

| روزنامه‌نگار |



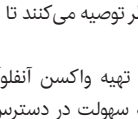
| **مهتاب چودکی** |

| روزنامه‌نگار |



| **مهتاب چودکی** |

| روزنامه‌نگار |



| **مهتاب چودکی** |

| روزنامه‌نگار |



| **مهتاب چودکی** |

| روزنامه‌نگار |

| **مهتاب چودکی** |

| روزنامه‌نگار |

| **مهتاب چودکی** |

| روزنامه‌نگار |

| **مهتاب چودکی** |

| روزنامه‌نگار |

| **مهتاب چودکی** |

| روزنامه‌نگار |

| **مهتاب چودکی** |

| روزنامه‌نگار |

| **مهتاب چودکی** |

| روزنامه‌نگار |

| **مهتاب چودکی** |

| روزنامه‌نگار |

| **مهتاب چودکی** |

| روزنامه‌نگار |

| **مهتاب چودکی** |

| روزنامه‌نگار |

| **مهتاب چودکی** |

| روزنامه‌نگار |

| **مهتاب چودکی** |

| روزنامه‌نگار |

| **مهتاب چودکی** |

| روزنامه‌نگار |

| **مهتاب چودکی** |

| روزنامه‌نگار |

| **مهتاب چودکی** |

| روزنامه‌نگار |

| **مهتاب چودکی** |

| روزنامه‌نگار |

| **مهتاب چودکی** |

| روزنامه‌نگار |

| **مهتاب چودکی** |

| روزنامه‌نگار |

| **مهتاب چودکی** |

| روزنامه‌نگار |

| **مهتاب چودکی** |

| روزنامه‌نگار |

| **مهتاب چودکی** |

| روزنامه‌نگار |

| **مهتاب چودکی** |

| روزنامه‌نگار |

| **مهتاب چودکی** |

| روزنامه‌نگار |

| **مهتاب چودکی** |

| روزنامه‌نگار |

| **مهتاب چودکی** |

| روزنامه‌نگار |

| **مهتاب چودکی** |

| روزنامه‌نگار |

| **مهتاب چودکی** |

| روزنامه‌نگار |

| **مهتاب چودکی** |

| روزنامه‌نگار |

| **مهتاب چودکی** |

| روزنامه‌نگار |

| **مهتاب چودکی** |

| روزنامه‌نگار |

| **مهتاب چودکی** |

| روزنامه‌نگار |

| **مهتاب چودکی** |

| روزنامه‌نگار |

| **مهتاب چودکی** |

| روزنامه‌نگار |

| **مهتاب چودکی** |

| روزنامه‌نگار |

| **مهتاب چودکی** |

| روزنامه‌نگار |

| **مهتاب چودکی** |

| روزنامه‌نگار |

| **مهتاب چودکی** |

| روزنامه‌نگار |

| **مهتاب چودکی** |

| روزنامه‌نگار |

| **مهتاب چودکی** |

| روزنامه‌نگار |

دو سال پس از ثبت جهانی، کاروانسراهای ایران هنوز گرفتار نبود الگوی مدیریتی‌اند

کاروانسراهای جهانی در مسیر ویرانی



منبع پایگاه میراث جهانی کاروانسرای ایرانی - رابطه شرف سرخس

[۶]

ایپام ما دو سال پیش در بیست‌وششم شهریور اعضای کمیته میراث جهانی یونسکو به ثبت ۵۴ کاروانسرای شاخص ایران در فهرست میراث جهانی یونسکو رأی مثبت دادند تا این شاهکار معماری ایران به جهان معرفی شود. کاروانسراهای جهانی ایران، با تمام ویژگی‌های منحصربه‌فردشان امروز با چالش‌های متعددی از جمله مرمت‌های غیراصولی، بهره‌برداری نادرست، تغییرات مدیریتی و نبود برنامه‌ریزی بلندمدت مواجه‌اند.

این آثار باید مشارکت داشته باشند. این گسترده‌گی، اهمیت پرورنده را دوچندان می‌کند؛ مشکلات مدیریت یکپارچه را هم همین‌طور. به همین دلیل، برای ایجاد فضای تعامل و ارتباط مؤثر بین مدیران، برای هر کاروانسرا یک گروه در فضای مجازی ایجاد کردیم که در آن رئیس اداره میراث شهرستان، مدیرکل میراث استان، شهردار، بخشدار و فرماندار و در برخی موارد نماینده مجلس و انجمن‌های مردم‌نهاد حوزه میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان حضور داشتند و به بیان مسائل و راهکارها پرداخته می‌شد. مشکلی که از ابتدا در پایگاه با آن مواجه بودیم، این بود که برخی از رؤسای ادارات شهرستان، کاروانسرا را رها کرده بودند و می‌گفتند کاروانسرای واقع در محدوده‌شان، زیر نظر پایگاه میراث جهانی کاروانسراست و عملاً از مسئولیت آن شانه خالی می‌کردند. درحالی‌که مدیریت این تعداد از آثار، با این گستردگی، بدون مشارکت و همکاری مسئولان بومی امکانپذیر نیست. پیشنهادی که برای مدیریت بهتر آثار داشتیم این بود که مدیران پایگاه‌های ملی یا جهانی که نزدیک به یک کاروانسرا هستند، با حفظ سمت، مسئول رسیدگی به امور آن کاروانسرا هم باشند. اگر پایگاهی در نزدیکی اثر وجود نداشته باشد، رئیس شهرستان، با حفظ سمت مسئولیت آن آن را برعهده گیرد.» به‌گفته همت‌پور، از ۵۴ کاروانسرای جهانی ایران، حدود ۳۳ مورد در اختیار صندوق احیا و ۱۵ کاروانسرا در اختیار اوقاف است، چهار مورد در اختیار بخش دولتی از جمله سازمان منطقه آزاد ارس، شرکت شهر جدید پرند و ستاد اجرایی فرمان امام است و دو کاروانسرا مالک خصوصی دارد؛ «در برخی از این بناها ما کرسی مدیریتی مستقیمی نداریم و ابزار ما صرفاً ضوابط مربوط به ثبت جهانی است که از طریق آن اعمال نظر کنیم. اما حتی در همین مورد هم گاهی برخوردها سلیقه‌ای است. اوقاف راه خود را می‌رود و بنا را به کسی که اهلیت ندارد، واگذار می‌کند و برایش عدد و رقم دریاقتی از سرمایه‌گذار مهم است؛ نهادهای دیگر هم به همین ترتیب. برخی مدیران در خارج از مجموعه میراث، درک درستی از اهمیت میراث جهانی ندارند که این خود یک معضل بزرگ است. درحالی‌که شیوه مواجهه با بناهای جهانی متفاوت از دیگر بناها است. از طرفی، برخی از کاروانسراها به‌علت ویژگی‌های منحصربه‌فردشان قابلیت واگذاری به‌منظور بهره‌برداری ندارند، مانند رباط شرف» به باور همت‌پور؛ «باید یک مدل مدیریتی جدید برای مدیریت پایگاه کاروانسراها ایجاد شود؛ زیرا شرایط و ویژگی‌های خاص خود را دارند.»

[۷ مرمت؛ بازسازی؛ تخریب

مرمت غیراصولی و بی‌توجهی به سازگاری اقلیمی و ظرایف معماری در مرمت و بازسازی بناهای تاریخی، آفتی است که سال‌هاست به جان بناهای تاریخی افتاده و هنوز هم اقدام اساسی برای حل آن از سوی متولیان این حوزه صورت نگرفته است. همچنان، بناهای تاریخی به پیمانکاران واگذار می‌شوند که در غالب موارد آشنایی چندانی با اصول مرمت بنا ندارند و حتی با استفاده از مصالح غیراصولی بیش از آنکه

موجب نجات بنا شوند، زمینه تخریب تدریجی آن را فراهم می‌کنند. کاروانسراها هم از این قاعده مستثنا نیستند. در موارد متعدد سرمایه‌گذاران تنها به بهره‌مندی اقتصادی از بنا فکر می‌کنند، بی آنکه نگران حفظ اصالت و پایداری بنا باشند. همت‌پور درباره بناهایی که مالک آن ارگان‌های خاص و یا افراد حقیقی هستند، به حمایت‌های قانونی در حوزه مرمت و حفاظت آنها اشاره می‌کند: «ماده ۱۳ قانون حمایت از مرمت و احیای بافت‌های تاریخی-فرهنگی سال ۱۳۹۸ این وظیفه را به ارگان‌هایی که بناهای تاریخی در اختیار دارند، سپرده که هزینه مرمت و پژوهش این آثار را به‌عهده بگیرند. اما اینکه چقدر این موضوع تحقق پیدا کرده، نیازمند بررسی‌های دقیق است.» اما گاهی این هزینه‌ها به‌شکلی صورت می‌گیرد که بیشتر به بنا آسیب می‌زند تا اینکه موجب احیای آن شود. او درباره مداخلات و مرمت‌های غیراصولی صورت‌گرفته توسط سرمایه‌گذاران و نهادهای متولی بناها می‌گوید: «در کاروانسرای «کُز» مداخلات غیراصولی زیادی قبل از ثبت جهانی صورت گرفته بود. بعد از ثبت جهانی تصمیم بر این شد که وضعیت بنا به حالت قبل بازگردد؛ به این دلیل که پذیرفتنی نبود مکان شترخان مخدوش شود و یکپارچگی اثر ثبت جهانی از بین رود. در چنین مواردی اگر سرمایه‌گذار در روند مرمت و بازسازی اشتباه کرده، اشتباه بزرگ‌تر را صندوق مرتکب شده که در شورای فنی مجوز این تغییرات را به سرمایه‌گذار داده است. حالا که صندوق در بروز این شرایط سهیم بوده، پیشنهاد دادیم به سال‌های بهره‌برداری بنا توسط سرمایه‌گذار اضافه‌کند تا فشار اصلاح این خطا فقط روی سرمایه‌گذار نباشد.» او همچنین به تغییر ماهیت بخش‌هایی از کاروانسرا در جریان مرمت و بازسازی اشاره می‌کند و می‌گوید: «با فرزندم به یکی از این کاروانسراهای ثبت ملی که در اختیار اوقاف بود، رفته بودیم. با کمال تعجب دیدیم یکی از شترخان‌ها به سرویس بهداشتی تبدیل شده و دیگری آشپزخانه شده است. مداخلات آنقدر زیاد بود که نمی‌توانستم توضیح دهم و فرزندم نمی‌توانست تصور کند شترخان چه کاربری داشت و چطور شترها وارد آن می‌شدند. این اتفاق برای دیگران هم رخ می‌دهد که نمی‌توانند کاربری بخش‌های اصل کاروانسرا را درک کنند. در مواردی مداخلات در بخش‌هایی که در جریان بازسازی و مرمت تغییر پیدا می‌کند، آنقدر زیاد است که نمی‌توان تصویر درستی از کاربری اصلی یک بخش از کاروانسرا برای نسل آینده ترسیم کرد. دلیل آن هم این است که در مواردی سرمایه‌گذاران بناهای تاریخی درک درستی از میراث ندارند.» در میان بناهای واگذارشده از سوی صندوق احیا برای بهره‌برداری و احیا، کاروانسراها با توجه به شرایطی که دارند، کمتر می‌توانند در معرض نظارت و بررسی کارشناسی قرار گیرند. میراث‌فرهنگی هم میل چندانی به اعمال نظارت بر روند مرمت و بازسازی این بناها ندارد، همین است که دست پیمانکاران در مورد این بناها باز است و این می‌تواند نتایج مخربی داشته باشد.

[۸ بازاریابی ضعیف و محجوریت شاهکارهای معماری

به‌باور همت‌پور، برخی کاروانسراها موقعیت کلیدی و

۳

کاروانسراها هم تا حدودی به‌عنوان مقاصد گردشگری معرفی شدند.» اما هنوز هم بازدید از بسیاری از این کاروانسراها چالش عمده برای علاقه‌مندان است، حتی اگر این آثار در یک استان به‌عنوان یک جاذبه گردشگری معرفی شده باشند، هنوز در میان مدیران سازوکار مشخصی برای مدیریت گردشگری کاروانسراهای میراث جهانی تعریف نشده است.

[۹ اسناد تاریخی بر تن دیوارها

همت‌پور درباره روح نهفته در کاروانسراها و قصه‌های ناگفته آنها می‌گوید: «مفهوم و موضوع زندگی در کاروانسراها از خود بنای کاروانسرا مهم‌تر است. در بسیاری موارد در بناهای تاریخی توجه تنها به کالبد است، درحالی‌که زیبایی کالبد و روح بنا هر دو اهمیت دارند. در کاروانسراها قصه‌های زیادی نهفته است. مثلاً دیوارنوشته‌های کاروانسرای «باغ شیخ» یک موضوع پژوهشی هستند. این کاروانسرا و همچنین کاروانسراهای «مبید» و «مزینان» دارای دیوارنوشته‌هایی هستند که ارزش مطالعه دارند. در کاروانسرای باغ شیخ، در اواخر دوره قاجار، فردی پرستنی درباره وجود خدا بر روی دیوار درج کرده و پاسخ آن چندوقت بعد توسط فرد دیگری زیر همان دیوار نوشته است. در کاروانسرای مبید هم فردی در سال‌های آخر عصر قاجار روی دیوار نوشته که به‌دلیل اینکه نتوانسته عزیز فوت‌شده‌اش را به کرپلا ببرد، پیکر او را موقتاً در همان‌جا به خاک سپرده تا در فرصت بعدی منتقل کنند. این نوشته نشان می‌دهد در نزدیکی کاروانسرا یک گورستان امنی وجود داشته است. حتی دیوارنوشته‌هایی به زبان و خط غیر فارسی از سیاحان فرنگی بر دیوار کاروانسرای «امین‌آباد» به‌جا مانده است. این دیوارنوشته‌ها ارزشمند هستند و باید حفظ و مستندسازی شوند؛ چراکه هرگونه آسیب به آنها منجر به از دست‌دادن بخشی از اسناد تاریخی این سرزمین پر رمز و راز خواهد شد.»

[۱۰ راه‌های ناهموار

یکی از مهم‌ترین چالش‌ها در حوزه گردشگری کاروانسراها و هم مدیریت و نظارت بر وضعیت آنها، راه‌های دسترسی و دوری از مرکز است. همت‌پور درباره چالش دسترسی به کاروانسراها می‌گوید: «من مخالف ایجاد جاده در نزدیکی کاروانسرا هستم، اما در بسیاری از مکان‌های مشابه جاده‌ها خاکی یا شوسه هستند که با کوبیدن بسیار، صاف شده‌اند و کارایی جاده را دارند؛ بدون اینکه جاد‌سازی و آسفالت انجام شده باشد. مثلاً کاروانسرای آجری «انجیره» که مالک خصوصی هم دارد، حدود ۱۰ کیلومتر راه خاکی ناهموار دارد. این وضعیت باعث شده است گردشگران به‌سختی به آنجا برسند. حداقل انتظار این است که مسئولان محلی حمایت کنند و راه شوسه‌ای تا نزدیکی آن بسازند که خودرو بتواند با سرعت کمتر در آن تردد کند.»

[۱۱ اهلیت سرمایه‌گذار با اهلیت واگذارکننده

همت‌پور معتقد است در حوزه بهره‌برداری از کاروانسراها می‌توان خلأقانه‌تر برخورد کرد؛ «صندوق باید بداند که نباید همه کاروانسراها کاربری اقامتی و پذیرایی پیدا کنند. برای مثال، کاروانسرای ت‌تی در گیلان، مناسب اقامت و پذیرایی نیست؛ این کاروانسرا باید موقعیت و چشم‌اندازی که دارد، بهترین مکان برای رویدادهای فرهنگی و هنری است. نباید در آن، اتاق برای اقامت و بתיق آن، سرویس بهداشتی و آشپزخانه راه‌اندازی شود.» مدیر سابق پایگاه میراث جهانی کاروانسرای ایرانی به نا‌دیده گرفتن اصول توسعه‌یاب‌در واگذاری کاروانسراها به سرمایه‌گذاران اشاره می‌کند و می‌گوید: «وقتی سرمایه‌گذار غیربومی جذب می‌کنیم و منافع جامعه محلی نادیده می‌گیریم، کم‌وب‌کم است که جامعه محلی موضع می‌گیرد و اجازه کار نمی‌دهد. شاید جامعه محلی توانایی سرمایه‌گذاری در یک بنا را نداشته باشد، اما می‌توان هم‌فرازی ایجاد کرد. اگر سرمایه‌گذار واقعاً برای میراث ارزش قائل باشد، اصناف و جامعه محلی را هم باید شکلی در بهره‌برداری از یک بنای تاریخی سهیم می‌کند. در این صورت است که کار برایی همه برد-برد است. اما روحیه فعلی این‌طور است که می‌خواهند همه کارها را خودشان انجام دهند، معلوم است شکست می‌خورند. ضمن اینکه این نگاه با توسعه‌یاب‌دار همخوانی ندارد.» او به مسئله اهلیت مقاطع مختلف، افرادی که علاقه‌مند هستند، راهشان را پیدا می‌کنند؛ مهم این است که این موضوع به فرهنگ تبدیل شود. اما موانع متعددی در مسیر است از جمله برخورد‌های شخصی و سلیقه‌ای که همت‌پور به چند مورد آنها اشاره می‌کند. درعین‌حال، او تأکید می‌کند می‌توان حمایت‌هایی را برای پیشبرد اهداف حفاظت و یا معرفی بیشتر کاروانسراها، از دل مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و یا خیرین میراث‌فرهنگی جلب کرد.

مدیر سابق پایگاه میراث جهانی کاروانسرای ایرانی، چند روز مانده به دومین سالگرد ثبت جهانی کاروانسرای ایرانی از تلاش‌هایش برای ثبت روزی به‌نام کاروانسرای ایرانی در تقویم رسمی کشور می‌گوید و اینکه بیست‌وششم شهریور و سالروز ثبت جهانی این پرورنده، می‌تواند تاریخ مناسبی برای روز ملی کاروانسرا باشد. او معتقد است ثبت یک روز در تقویم رسمی باعث می‌شود کاروانسرا و اهمیت آن در تاریخ ایران، در ذهن مردم جایگاه ویژه‌ای پیدا کند. او تأکید می‌کند: «قبل از ثبت جهانی، کاروانسراها به‌عنوان مقصد شناخته نمی‌شدند و کسی به قصد دیدن کاروانسرا به منطقه‌ای نمی‌رفت. با ثبت جهانی ۵۴ کاروانسرا که در ۲۴ استان کشور قرار دارند،

روزنامه‌سازما

نخاه

کاروانسراها

نعمت جاده‌های ایران



| سمانه صفاری |

| پژوهشگر کاروانسراهای ایران |

کاروانسراها به‌عنوان بناهای مهمی در شاهراه‌های تمدنی ایران که امکان سفر و ارتباط میان مناطق مختلف را فراهم می‌کردند، امروز نیازمند مدیریت دقیق، حفاظت مستمر و نظارت علمی هستند تا این میراث گرانبها از تخریب و تغییر کاربری‌های نادرست حفظ شود و نسل‌های آینده نیز از آن بهره‌مند شوند.

کاروانسراهای تاریخی ایران که در سال‌های اخیر برخی از آنها به فهرست میراث جهانی پیوسته‌اند، با چالش‌های جدی در حوزه مدیریت و حفاظت مواجه‌اند. یکی از مسائل اصلی، محدودیت‌هایی است که گاهی برای دسترسی و بازدید از این آثار وجود دارد. میراث‌فرهنگی در مواردی آتقدر این روند را پیچیده می‌کند که گاهی بازدید ساده از یک بنای تاریخی مثل کاروانسرا تبدیل به یک امر زمان‌بر در پروکرسی‌های اداری می‌شود. البته نباید از همکاری برخی کارکنان میراث‌فرهنگی در استان‌ها هم چشم پوشید که این روند را تسهیل می‌کنند. اما نامه‌نگاری‌ها و سختگیری‌ها در بازدیدهای فردی و گروهی از کاروانسراها در برخی استان‌ها، درحالی‌است که این سختگیری را در حفاظت از همین بناها ندارد و بسیاری از بناهای تاریخی را به حال خود رها کرده است. پس از ثبت جهانی کاروانسراها بسیاری از مردم علاقه‌مندند که به بازدید از بناها بروند، اما به بهانه‌های مختلف، ممانعت می‌شود.

مسئله مهم‌تر، وضعیت واگذاری کاروانسراها به بخش خصوصی است که در بسیاری موارد به واگذاری بدون نظارت دقیق و رعایت اصول حفاظتی انجامیده است. سرمایه‌گذاران این بناها غالباً آنها را ملک شخصی خود می‌دانند و مانع بازدید عمومی و نظارت کارشناسی در روند بازسازی و مرمت می‌شوند. درعین‌حال، این رویکرد منجر به این شده که در برخی موارد، تغییر کاربری این بناها به اقامتگاه یا رستوران، بدون رعایت اصول مرمتی و حفاظتی، آسیب‌های جبران‌ناپذیری به اثر وارد کند. نمونه بارز این مسئله کاروانسرای «انارک» است که مرمت‌های غیراصولی شامل نصب کولر آبی در بنای تاریخی - که اقدامی غیراصولی در بحث حفاظت است- و پل‌های خورشیدی در نما و پشت‌بام، منجر به تخریب منظر تاریخی و ارزش‌های اصل بنا شده است. میراث‌فرهنگی به‌دلیل محدودیت منابع مالی، اغلب در روند مرمت و نگهداری کاروانسراها خالت مستقیم ندارد و کل پروژه‌های مرمتی را به سرمایه‌گذاران یا پیمانکاران واگذار می‌کند. این موضوع باعث شده است نظارت کافی در کیفیت مرمت‌ها وجود نداشته باشد و در برخی موارد مرمت‌های نادرست و استفاده از مصالح نامناسب به‌جای حفاظت، موجب آسیب به بنا شود.

تمام این موارد و سوءمدیریت‌ها درحالی‌است که کاروانسراهای ایران، علاوه‌بر ارزش تاریخی، نمونه‌های بارز معماری بومی منطق بر اقلیم متنوع کشور هستند. معماری کاروانسراها با توجه به شرایط اقلیمی مناطق مختلف ایران طراحی شده است؛ در مناطق کوهستانی کاروانسراهای سروپوشیده، در مناطق جنگلی بناهای هماهنگ با محیط و در مناطق کویری کاروانسراهایی با حیاط مرکزی و ایوان‌هایی در مقابل حجره‌ها، کمک کرده به اینکه خرده‌اقلیمی پدید آید تا از شدت وزش باد و تابش آفتاب کاسته و آسایش بیشتری برای مسافران فراهم شود. در نواحی جنوبی، به‌علت رطوبت زیاد، تعداد بازشوهای بنا بیشتر و طراحی‌های خاص برای گردش هوا در نظر گرفته شده است، درحالی‌که در مناطق دیگر به‌دلیل مسائل امنیتی معمولاً تنها یک در ورودی برای کاروانسراها وجود دارد. تنوع معماری کاروانسراها از جمله بناهای چهارایوانی، دوایوانی و سه‌ایوانی، مدور، هشت‌ضلعی و… نشان‌دهنده خلاقیت و تطابق سازندگان با شرایط اقلیمی و فرهنگی مختلف است. این بناها در پینه گسترده سرزمین ایران با این تنوع اقلیمی چشمگیر، نعمت راه‌ها و جاده‌های ایران بودند. چنین میراث ارزشمندی بیش‌ازاین باید مورد توجه و حفاظت قرار گیرد.



وضعیتی فرسایش شدید خاک و از بین رفتن خاک حاصلخیز منطقه است. جوامع محلی در این منطقه در دره‌های متعدد منطقه و مستقیماً در مسیر سیلاب‌ها دیواره‌های سنگی می‌ساختند که عملکردی مشابه سد‌های کوچک یا بند‌های کنترل سیلاب داشتند. این سازه‌ها رسوب ارزشمند حمل شده توسط سیلاب‌ها را به دام می‌انداختند و آنها را حفظ می‌کردند. با گذشت زمان، تجمع این رسوبات منجر به شکل‌گیری زمین‌های مسطح و حاصلخیز در پشت دیواره‌های سنگی می‌شد. زمین‌هایی که در پشت این دیواره‌های سنگی شکل می‌گرفتند، رطوبت را در زیر سطح حفظ و محیطی ایدئال برای رشد گیاهان خودرو و کشت نخل خرما فراهم می‌کردند. در نتیجه، طی سال‌های متمادی نخلستان‌های متعددی در این مناطق توسط مردم محلی ایجاد شده بود.

باین‌حال، رها شدن این مناطق، همراه با افزایش سیلاب‌ها در اثر تغییر اقلیم، باعث تخریب و فروپاشی سدهای قدیمی شده است. هنگامی که یک سد از بین می‌رود، با وقوع نخستین سیلاب، خاک اطراف تنه و ریشه‌های نخل‌ها شسته می‌شود و ریشه‌های آنها را نمایان می‌کند. این وضعیت باعث می‌شود درخت میوه کمتری تولید کند و به سرعت خشک شود یا به‌طور کامل سقوط کند. با کاهش بهره‌وری و تعداد نخل‌ها در کوهستان، خرس سیاه آسیایی برای یافتن خرما به سمت روستاهای حاشیه کوه حرکت می‌کند که این امر به تعارض با انسان منجر می‌شود.

پروژه حفاظت از خرس سیاه آسیایی در استان هرمزگان به این نتیجه رسید که برای حفظ نخل‌های خرما در مناطق کوهستانی که منبع اصلی غذای خرس‌ها هستند، مجموعه فعالیت‌هایی انجام دهد. در همین راستا، بازسازی و ترمیم سدهای موجود به‌عنوان یک اولویت در برنامه عملیاتی پروژه قرار گرفت. در واقع، بازسازی این سدها دو هدف اساسی را محقق می‌کند: از یک‌سو، باعث جلوگیری از فرسایش منابع ارزشمند خاک می‌شود و از سوی دیگر، پوشش گیاهی پشت سدها را که غذای اساسی و پناهگاه برای خرس سیاه آسیایی است، حفظ می‌کند.

در شش ماه گذشته، پروژه حفاظت از خرس سیاه آسیایی در استان هرمزگان با همکاری مردم محلی، شش سد قدیمی رسوب‌گیر را تعمیر یا بازسازی کرده است. شش سد به تعداد زیاد سدها، بر اساس سه معیار سدهایی منتخب شدند. این سه معیار عبارت بودند از: ۱. تعداد درختان خرما در پشت سد آسیب‌دیده بیشتر بود. ۲. تعداد حضور یا بازدیدهای خرس سیاه آسیایی پشت سد. بر اساس تصاویر دوربین‌های تله‌ای و نشانه‌ها بیشتر بود و ۳. موقعیت سد درون زیستگاه، دور از جاده‌ها و روستاها بود.

ایران غربی‌ترین پرکنندگی خرس سیاه آسیایی را دارد، گونه‌ای به‌شدت در معرض خطر انقراض باین‌حال هر چند یونها جلوی نور دوربین‌ها قرار دارند، خرس‌های سیاه در سایه‌اند. این بدان معنا نیست که هیچ کاری برای حفاظت از آنها انجام نمی‌شود. پروژه حفاظت از خرس سیاه آسیایی در استان هرمزگان سال‌هاست برای حفاظت از این گونه فعالیت می‌کند. حاصل همین پژوهش‌ها و فعالیت‌ها نشان داده است تخریب نخلستان‌های رها شده و سدهای سنتی تعارض میان خرس‌های سیاه آسیایی و جامعه محلی را افزایش می‌دهد.

مناطق شرقی استان هرمزگان در جنوب ایران، غربی‌ترین پرکنندگی جهانی خرس سیاه آسیایی است. این زیروگونه در رشته‌کوه‌های خشک و به‌هم‌پیوسته این منطقه که به‌طور پراکنده با درختان پوشیده شده‌اند، زندگی می‌کند. تجزیه و تحلیل نمونه‌های سرگین نشان می‌دهد بیش از ۵۰ درصد رژیم غذایی خرس سیاه آسیایی در این منطقه از میوه خرما کشت شده تشکیل می‌شود و پس از آن زنبور سرخ شرقی و میوه «گنار» قرار دارند. تاریخچه کشت خرما در ایران به حدود چهار هزار سال قبل از میلاد برمی‌گردد. بنابراین، تغذیه خرس سیاه آسیایی از نخلستان‌های خرما می‌تواند یکی از قدیمی‌ترین تعاملات این گونه با یک میوه کشت‌شده در آسیا باشد. اگرچه خرما بیش از نیمی از رژیم غذایی خرس سیاه آسیایی را تشکیل می‌دهد، این امر در نیم‌قرن اخیر، تعارض قابل‌توجه و جدی‌ای میان انسان و خرس ایجاد نکرده است. دلیل اصلی آن را می‌توان به مهاجرت گسترده جوامع محلی از کوه‌ها به مناطق شهری مرتبط دانست. مهاجرت منجر به رها شدن بسیاری از نخلستان‌ها و کاهش حضور انسان در این زیستگاه‌ها طی ۵۰ سال گذشته شده است. رها شدن نخلستان‌ها در ابتدای کار گرچه به‌نظر می‌رسید برای خرس سیاه آسیایی مفید باشد، اما شرایط کاملاً تغییر کرده است. برای سال‌ها در این مناطق نخل جدیدی کاشته نشده و بسیاری از نخل‌های موجود نیز به‌دلیل بی‌توجهی از بین رفته‌اند که تأمین غذا را برای این گونه دشوار می‌کند. مشکل اساسی‌تر، تخریب و از بین رفتن سدهای کوچک سنتی رسوب‌گیر است که جوامع محلی پیش‌تر برای ایجاد زمین‌های مسطح و قابل‌کشت خرما ساخته بودند.

در استان هرمزگان کاشت نخل خرما در مناطق کوهستانی همواره با چالش کمبود زمین مسطح مواجه بوده است. برای حل این مشکل، جوامع محلی راه‌حلی نوآورانه ایجاد کردند که به اقلیم آنها مربوط می‌شود. مناطق جنوب‌شرقی ایران هر سال تحت‌تأثیر الگوی آب‌وهوایی موسمی قرار می‌گیرند که بارندگی شدید تابستانی را به‌همراه دارد. این بارش‌ها به‌سرعت از دامنه‌های تند کوه‌ها جاری می‌شوند و رواناب و سیلاب‌های ناگهانی ایجاد می‌کنند. تبعات چنین



همکاری مردم هرمزگان و فعالان محیط‌زیست برای احیای زیستگاه خرس سیاه آسیایی در ایران

سدهای سنتی نگهبان خرس‌ها شدند

اگر برای حفظ نخل‌های خرما در مناطق کوهستانی هرمزگان که منبع اصلی غذای خرس‌ها هستند، اقدامی صورت نگیرد احتمالاً تعارض انسان و خرس سیاه آسیایی تشدید می‌شود

ایم‌ما | «با کاهش بهره‌وری و تعداد نخل‌ها در کوهستان، خرس سیاه آسیایی برای یافتن خرما به‌سمت روستاهای حاشیه کوه حرکت می‌کند که این امر به تعارض با انسان منجر می‌شود.» این گزاره نتیجه پژوهش‌های پروژه حفاظت از خرس سیاه آسیایی است. در راستای این پروژه، فعالیت‌هایی برای حل چالش و احیای زیستگاه خرس سیاه آسیایی انجام شده است. با همکاری مردم محلی مناطق کوهستانی استان هرمزگان، در طول شش ماه شش سد قدیمی رسوب‌گیر که مردم محلی به آن «درین» می‌گویند، تعمیر یا بازسازی شده‌اند تا جلوی تخریب بیشتر این مناطق گرفته شود. نتیجه این فعالیت در خیرنامه انجمن بین‌المللی پژوهش و مدیریت خرس‌ها (IBA) و گروه تخصصی خرس‌ها در اتحادیه بین‌المللی حفاظت از طبیعت در هفته‌های اخیر منتشر شده است.

اخبار

کاهش ساعات اداری یا دورکاری گفت: این وضعیت به‌دلیل توجه به موضوعات بی‌ارزش و حاشیه‌های است و به اصل موضوع که سلامت مردم است توجه نمی‌شود.

یوسفی ادامه داد: ما نمایندگان مردم در مورد طرح سؤال و استیضاح در دولت‌های مختلف اقدام کردیم و استیضاح یک وزیر و طرح سؤال دو وزیر را در دولت شهید رئیسی انجام دادیم. حتی زمانی که استاندارد وقت کوتاهی می‌کرد به‌سرعت تذکر می‌دادیم. بنابراین، نگاه ما سیاسی نیست و سلامت مردم برای ما اهمیت دارد. او بیان کرد: با توجه به این وضعیت، به وزارت امور خارجه و همچنین سازمان حفاظت محیط‌زیست کشور تذکر دادیم و این مسئله پیگیری می‌شود؛ زیرا باید برای سلامت مردم خوزستان و غرب کشور ارزش قائل شوند.

اخبار

نماینده اهواز در مجلس مطرح کرد

هور می‌سوزد، مسئولان توانایی اجرا ندارند

اخبار

نماینده اهواز در مجلس شورای اسلامی با اشاره به ادامه آتش‌سوزی در بخش عراقی هورالعظیم، بر لزوم توجه به سلامت مردم خوزستان و غرب کشور در این شرایط تأکید کرد.

«مجتبی یوسفی» با اشاره به تداوم آلودگی ناشی از آتش‌سوزی بخش عراقی تالاب هورالعظیم بیان کرد: متأسفانه همچنان شاهد آلودگی هوا در بی‌آتش‌سوزی بخش عراقی تالاب هورالعظیم هستیم و تنها حرفی که می‌زنند این است که مشکل آتش‌سوزی و دودگی که نفس مردم خوزستان را تنگ کرده است، در پاییز حل می‌شود. او با اشاره به فعالیت دوره‌ه هواپیمای آب‌پاش

با صلوات بر محمد وآل محمد «جهش تولید با مشارکت مردم» ایران پایدار به‌سوی توسعه ایمان به‌بلندی امید



آگهی مناقصه عمومی همراه با ارزیابی کیفی (یکپارچه)

کارفرما و مناقصه‌گر: شرکت معادن زغالسنگ کرمان موضوع فراخوان: حمل زغالسنگ خام از معادن ۱-سرلربرد-۲-باب نیز-۳-دوگر-۴-اسداباد-۵-حجک و اشکی-۶-دهرود-۷-پابدانا-۸-خونی به‌کارخانه زغالشویی زیند شماره فراخوان ها و تاریخ انتشار آگهی مناقصه در سامانه ستاد: ۰۴۰۹۵۱۱۰۰۰۵۹ الی ۰۴۰۹۵۱۱۰۰۰۵۹ تا ۱۴۰۴/۰۶/۲۷ مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی و اسناد مناقصه از سامانه ستاد: مورخ ۱۴۰۴/۰۶/۲۷ لغایت ۱۴۰۴/۰۷/۰۵ آخرین مهلت ارسال و بارگذاری اطلاعات مورد نیاز جهت ارزیابی کیفی و ارائه پیشنهادات به صورت pdf در سامانه ستاد: مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۳ مهلت تقصیم شرکت در فرایند ارجاع کار: ارزیابی کیفی مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۳ و بارگذاری پاکت مناقصه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۳ به مبلغ ۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال - ردیف ۵ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۶ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۷ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۸ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۹ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۱۰ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۱۱ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۱۲ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۱۳ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۱۴ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۱۵ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۱۶ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۱۷ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۱۸ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۱۹ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۲۰ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۲۱ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۲۲ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۲۳ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۲۴ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۲۵ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۲۶ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۲۷ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۲۸ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۲۹ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۳۰ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۳۱ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۳۲ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۳۳ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۳۴ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۳۵ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۳۶ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۳۷ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۳۸ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۳۹ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۴۰ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۴۱ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۴۲ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۴۳ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۴۴ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۴۵ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۴۶ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۴۷ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۴۸ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۴۹ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۵۰ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۵۱ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۵۲ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۵۳ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۵۴ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۵۵ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۵۶ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۵۷ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۵۸ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۵۹ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۶۰ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۶۱ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۶۲ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۶۳ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۶۴ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۶۵ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۶۶ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۶۷ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۶۸ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۶۹ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۷۰ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۷۱ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۷۲ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۷۳ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۷۴ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۷۵ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۷۶ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۷۷ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۷۸ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۷۹ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۸۰ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۸۱ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۸۲ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۸۳ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۸۴ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۸۵ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۸۶ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۸۷ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۸۸ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۸۹ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۹۰ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۹۱ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۹۲ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۹۳ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۹۴ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۹۵ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۹۶ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۹۷ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۹۸ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۹۹ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۱۰۰ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۱۰۱ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۱۰۲ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۱۰۳ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۱۰۴ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۱۰۵ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۱۰۶ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۱۰۷ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۱۰۸ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۱۰۹ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۱۱۰ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۱۱۱ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۱۱۲ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۱۱۳ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۱۱۴ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۱۱۵ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۱۱۶ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۱۱۷ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۱۱۸ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۱۱۹ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۱۲۰ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۱۲۱ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۱۲۲ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۱۲۳ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۱۲۴ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۱۲۵ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۱۲۶ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۱۲۷ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۱۲۸ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰۰ ریال - ردیف ۱۲۹ به مبلغ ۲/۵۲۲/۰۰